

نشریه پیام 6



برنامه نویسی
مصحح
کدبانو
اخبار
داستان
معرفی
معجزه نگاه

به اطلاع عموم محبیران رسانده
مکتب نشر و نشریات، اشعار، اخبار
بهت چاپ و دوری درو بایست
سازمان



مجله بسام

شماره مجوز: ۲۰۱۶۹۸۸۷
 نشریه دانشجویی فرهنگی اجتماعی
 دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

www.BasamMag.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

دفتر مرکزی:
 دانشکده پرستاری، طبقه سوم
 دفتر توزیع:
 ساختمان امام خمینی، طبقه دوم
 آدرس دانشگاه:
 زنجان، کیلومتر ۴ جاده ترانزیت
 اهر-خرمدره
 پل ارتباطی:
 ۰۹۳۷۵۳۹۳۷۷۳

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
 مهدی محمدی



سر دبیر:
 فاطمه رحیمی هنرور



هیئت تحریریه:
 طاهره سقاییان، لیلا محمدی
 سیدرضا فتحی، فاطمه علیزاده



با تشکر ویژه از:
 جناب آقای دکتر افشاری
 جناب آقای دکتر پویامنش
 جناب آقای دکتر پیری
 جناب آقای نقیلو
 جناب آقای صدری
 سرکار خانم عسگری

زندگی چیست؟
 معرفی کتاب



۴
 ۶

شیخ اشراق
 دوستی های نادرست



۷
 ۱۱

روانشناسی

۱۲

لنز دوربین
 در جستجوی خوشبختی



۱۴
 ۱۵

پایتون
 چشم ها

۱۶
 ۱۷

رویداد های اخیر

۱۸

مصاحبه
 کدبانو



۲۰
 ۲۲

شماره ششم / سال دوم
 مرداد ۹۶ / دابلود نسخه PDF



امام صادق علیه السلام :

لَا عِشَ أَهْنًا مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ

هیچ زندگی گواراتر از اخلاق و رفتار پسندیده نیست.

[علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۵۹]

زندگی چیست؟

هرکسی با توجه به روزهای که گذارنده زندگی را معنا میکند پس تو به معنای زندگی خودت اهمیت بده. کاش ما انسان ها در جستجوی معنای زندگی نباشیم آن را زندگی کنیم. هرکسی که اشتباهاتی انجام داده چه آگاهانه و یا ناآگاهانه و فکر میکند بدتر از این نمیشود با شما و خودم هم هستم، حتما میگویید از خود و جهان خسته شده ام شاید گاهی باید از همه چیز خسته شویم تا تغییر کنیم.

راستش خیلی چیزها بر زندگی شما تاثیر می‌گذارند اما فقط شما هستید که زندگی را می‌سازید اگر خطای کردید مسولیت پذیر باشید و جبران کنید به بدی هایتان فکر نکنید به خوبی هایتان توجه کنید و با آن با بدی هایتان مقابله کنید سال نور از وجود خود آغاز کنید از همین لحظه باور کنید که زندگی منتظر شما نیست که تا شما آماده و شاد باشید تا زندگی کنید بلکه به راهش ادامه می‌دهد و روزی فرا می‌رسد که حتی شما نیستید ولی هنوز زندگی در جریان است پس زندگی کن و ناامیدی را از خود دور کن تا خدای هست ناامیدی معنا ندارد.



خوب و مهربان بودن، همیشه کار انسانی نیست. این که به دیگران اجازه بدهیم تا راه خودشان را بروند حتی اگر در اشتباه هم باشند و پیامد اعمالشان مخرب باشد - به معنای انسان خوب و مهربان بودن نیست. هم چنین، خوب بودن به این معنی نیست که به دیگران اجازه بدهیم تا از ما سوء استفاده کرده و یا ما را وادار کنند تا کاری را برخلاف طبیعت خود، انجام دهیم. بلکه خوب بودن، کیفیتی است که بایستی با احتیاط هر چه بیشتر با آن برخورد کنیم. در موارد خاصی ممکن است مجبور به انجام کاری باشید که از نظر دیگران، ممکن است خوب نباشد و این یکی از دلایلی است که به نوشتن این کتاب، تحت عنوان «هنر خوب بودن» اقدام کرده ام. خوب بودن به طرز حقیقی و مثبت واقعا یک هنر است.



علاقه به خلاق بودن، ساختن و بافتن رویاها... مهندسين وب افرادی اند که محتوای چند رسانه ای، هوش مصنوعی، اطلاعات تخصصی را در قالب کدنویسی سایت ها، اپ های تحت وب و... از رویا به واقعیت تبدیل میکنند و آن را با تمام جهان به اشتراک میگذارند. از مفهوم عمومی حوزه وب گرفته تا آموزش گام به گام پیاده سازی پروژه تحت وب، آن هم با استاندارد مهارتی سازمان فنی و حرفه ای کشور و با استاندارد جهانی W3C. آموزش زبان های HTML, PHP, javascript, CSS, SQL



سودای میان تهی ز سر بیرون کن
از ناز بکاه و در نیاز افزون کن
استاد تو عشق است چو آن جا برسی
او خود به زبان حال گوید چون کن

شهاب الدین یحیی ابن حبش بن امیرک ابوالفتح سهروردی، ملقب به شهاب‌الدین و شیخ اشراق و شیخ مقتول، (۵۴۹ - ۵۸۷ ه.ق.) یا (۱۱۵۴ - ۱۱۹۱ م.) فیلسوف نامدار ایرانی بوده‌است. زندگی شهاب‌الدین سهروردی در سال ۵۴۹ ه.ق. در سهرورد یا قره قوش خدابنده زنجان زاده شد. حکمت و اصول فقه را نزد مجدالدین جیلی استاد فخر رازی در مراغه آموخت و در علوم حکمی و فلسفی سرآمد شد و بقوت ذکا، وحدت ذهن و نیک اندیشی بر بسیاری از علوم اطلاع یافت. سهروردی پس از پایان تحصیلات رسمی، به سفر در داخل ایران پرداخت، و از بسیاری از مشایخ تصوف دیدن کرد و بسیار مجذوب آنان شد. به واقع، در همین دوره بود که به راه تصوف افتاد و دوره‌های درازی را به اعتکاف و عبادت و تامل گذراند. سفرهای وی رفته رفته گسترده تر شد، و به آناتولی و شامات نیز رسید و در این سفر، مناظر شام «سوریه» او را بسیار مجذوب خود نمود. در یکی از سفرها از دمشق به حلب رفت و در آنجا با «ملک ظاهر» پسر «صلاح الدین ایوبی» (سردار معروف مسلمانان در جنگ‌های صلیبی) ملاقات کرد. ملک ظاهر که محبت شدیدی نسبت به صوفیان و دانشمندان داشت، مجذوب این حکیم جوان شد و از وی خواست که در دربار وی در حلب ماندگار شود. سهروردی که عشق شدیدی نسبت به مناظر آن دیار داشت، شادمانه پیشنهاد ملک ظاهر را پذیرفت و در دربار او ماند. در همین شهر حلب بود که وی کار بزرگ خویش، یعنی، حکمة‌الاشراق را به پایان برد. اما سخن گفتن‌های بی پرده و بی احتیاط بودن وی در بیان معتقدات باطنی در برابر همگان، و زیرکی و هوشمندی فراوان وی که سبب آن می‌شد که با هر کس بحث کند، بر وی پیروز شود، و نیز استادی وی در فلسفه و تصوف، از عواملی بود که دشمنان فراوانی مخصوصاً از میان علمای قشری برای سهروردی فراهم آورد.

وفات عاقبت به دستاویز آن که وی سخنانی برخلاف اصول دین می‌گوید، از ملک ظاهر خواستند که او را به قتل برساند، و چون وی از اجابت خواسته آن‌ها خودداری کرد، به صلاح الدین ایوبی شکایت بردند. متعصبان او را به الحاد متهم کردند و علمای حلب خون او را مباح شمردند. صلاح الدین که به تازگی سوریه را از دست صلیبیون بیرون آورده بود و برای حفظ اعتبار خود به تایید علمای دین احتیاج داشت، ناچار در برابر درخواست ایشان تسلیم شد. به همین دلیل، پسرش ملک ظاهر تحت

فشار قرار گرفت و ناگزیر سهروردی را در سال ۵ رجب ۵۸۷ هجری قمری به زندان افکند و شیخ همان جا از دنیا رفت. وی در هنگام مرگ، ۳۸ سال داشت. علت مستقیم وفات وی معلوم نیست. (البته مشهور آن است که سهروردی به دلیل گرسنگی از دنیا رفت.)

فلسفه اشراق سهروردی کسی است که مکتب فلسفی اشراق را بوجود آورد که بعد از مرگش وسعت یافت. او نظریه خود را در اواخر قرن ششم ارائه کرد. سهروردی را رهبر افلاطونیان جهان اسلام لقب داده‌اند. او خود فلسفه اش را حکمت اشراق نامیده بود که به معنای درخشندگی و برآمدن آفتاب است و اقوام لاتین آن را aurora conurgens نام نهاده‌اند. اما این تفکر فلسفه خاص افلاطونی نیست و در آن آرای افلاطون و ارسطو و نوافلاطونیان و زرتشت و هرمس و اسطوره تحوت و آرای نخستین صوفیان مسلمان در هم آمیخته است.

مکتب سهروردی هم فلسفه هست و هم نیست. فلسفه است از این جهت که به عقل اعتقاد دارد، اما عقل را تنها مرجع شناخت نمی‌داند. عرفان است از این نظر که کشف و شهود و اشراق را شریف‌ترین و بلندمرتبه‌ترین مرحله شناخت می‌شناسد. او به سختی بر ابن سینا می‌تازد و از کلیات و مثل افلاطون دفاع می‌کند. بر وجودشناسی ابن سینا ایراد می‌گیرد که چرا اظهار داشته که در هر شیء موجود، وجود امری حقیقی است و ماهیت امری اعتباری، و برای تحقق محتاج وجود است. در حالی که طبق حکمت اشراق، ماهیت امری حقیقی است و وجود امری اعتباری.

نورالانوار سهروردی وجودشناسی خود را «نورالانوار» نام داده است. همان حقیقت الهی که درجه روشنی آن چشم را کور می‌کند. نور را نمی‌توان با کمک چیز دیگر و نسبت به آن تعریف کرد، زیرا تمام اشیا با نور آشکار می‌شوند و طبعاً باید با نور تعریف شوند. «نورالانوار» یا «نور مطلق» همان وجود مطلق است و تمام موجودات، وجود خود را از این منبع کسب کرده‌اند و جهان هستی چیزی جز مراتب و درجات گوناگون روشنایی و تاریکی نیست. به همین دلیل سلسله مراتب موجودات بستگی به درجه نزدیکی آن‌ها با «نورالانوار» دارد، یعنی به میزان درجه «اشراق» و نوری که از نورالانوار به آن‌ها می‌رسد.

لازم به یاد آوری است که گرچه عرفان یکی از خصیصه‌های برجسته ی مکتب فلسفی سهروردی است، او فقط صوفی نبود، مکتب فکری اش هم عرفانی محض نبود، او نظام ساز بود و مانند بسیاری از توان مندان دیگر (از قبیل ابن سینا) در باب موضوعات مختلف و سنتی فلسفی، مانند مابعد الطبیعه، هستی شناسی، معرفت شناسی، منطق و غیره اظهار نظر کرده است. هرشماری را که از میان اندیش مندان دنیای اسلام، به عنوان «بزرگترین» برگزینیم، استقلال اندیشه و خلاقیت، و نوآوری، قدرت ترکیب افکار و آرای مختلف، نگرش جهان‌شمول، نیروی بیان و ذوق، و تسلط در زبان‌های عربی و فارسی، شیخ اشراق را در تاریخ تفکر جای‌گاه ویژه و ممتازی بخشیده که از بسیاری جهات قابل قیاس با جای‌گاه دیگران نیست. برجستگی سهروردی را شاید بتوان کلاً معلول سه عامل دانست: تفکر جهان‌شمول و جامع، ابتکار، و جسارت در بیان. شیخ شهاب‌الدین گزنفار تفکر یک‌بعدی و تعصب‌آمیز نبود. وی مانند بسیاری از اندیش‌مندان

تاریخ، فقط خود را بر حق نمی‌دانست و دیگران را بر باطل. حقیقت مطلق بیش از یک چیز نمی‌تواند باشد و همه‌ی ملل و نحل، فیلسوفان، عالمان، و عارفان گم‌گشته‌ای بیش ندارند. منتها راه‌هایی که به امید دست‌یابی به این حقیقت برگزیده‌اند، متفاوت بوده است. فرزند سهرورد، نسبت به خط و شیوه‌ی خاصی تعصب نمی‌ورزد و در عمل، تک‌صدایی را جایز نمی‌شمرد.

بنابراین، وی با وجود این که مسلمان مؤمن و کاملاً آشنا با علوم قرآنی بود، از جست‌وجوی حقیقت در سنت‌های فکری یونانی، زرتشتی، هندی، یهودی، و مسیحی، نه‌تنها ابایی نداشت، بل که عناصری از این سنت‌ها را در تاروپود نسج فکری خویش تنید و نظام فلسفی خویش را جامعیت بخشید.

بهره‌گیری از شیوه‌های فکری گوناگون و درآوردن آن‌ها به قالب نظامی منسجم و هماهنگ، ابتکار و توان ذهنی فوق‌العاده‌ای می‌طلبد و سهروردی از این نیروها بهره‌مند بود. او فلسفه‌ی ارسطویی را نه درست پذیرفت و نه یک‌جا رد کرد. بل که از شیوه‌های استدلالی آن حداکثر استفاده را در ساختن نظام فلسفی خویش برد. شیخ به ارسطو بسنده نکرد و مرعوب نام و آوازه‌ی او هم نشد. به افلاطون و دیگر حکیمان سال‌ها قبل از این دو نیز مراجعه کرد و در یک معنا، مقداری از پایگاه به ظاهر غیر قابل رقابت معلمِ او کاست. از مؤلفه‌های تقریباً بی‌نظیر و منحصر به فرد فلسفه‌ی شهاب‌الدین، چیزی است که او از آن به حکمت خسروانی تعبیر می‌کند و آن، سنت فلسفی ایرانیان باستان است. شیخ با گنجاندن مقداری از میراث فکری حکیمان ایران باستان، نشان داد که نیاکان

ما از چه سرمایه‌ی عمیق فلسفی برخوردار بوده‌اند.

امتیاز دیگر سهروردی، استقلال فکری و جسارت او در عرضه‌ی صریح بسیاری از افکار خویش بود. شیخ شهاب‌الدین هفتاد هشتاد سال پس از زمانی زندگی می‌کرد که نابغه‌ی ایرانی دیگری، به نام امام محمد غزالی (۵۰۵ق - ۵۰۵ق)، پنبه‌ی فلسفه را زده، و پایگاه آن را - لاقلاً در ایران - به کلی سست کرده بود. با ضربه‌ی کاری او به بنیاد فلسفه - و به احتمال بسیار، سوءاستفاده‌هایی که متشرعین ظاهری و متعصب از ستیز عالم موجهی چون حجة الاسلام غزالی با تفکر فلسفی، در محکوم کردن فلسفه به عنوان ضد دین کردند - دوباره سخن گفتن از فلسفه، آن هم فلسفه‌ی مجوسان (!) کار آسانی نبود. چوبی که غزالی بر زمین زده بود، چنان کوبنده بود که هواداران فلسفه، چنان‌چه می‌خواستند به راه خود ادامه دهند، می‌بایستی خطر متهم شدن به بی‌دینی و انحراف از شریعت را می‌پذیرفتند...

با این‌همه، شاید استثنای‌ترین نکته در مورد سهروردی، همان باشد که وی شهرت خود و عنوان فلسفه‌اش را از آن گرفته است: نور! به عقیده‌ی او، تنها چیزی که می‌توان نام حقیقت بر آن نهاد و از بسیاری وضوح نیاز به تعریف ندارد، نور است. موجودات، به نسبت درجه‌ی کمال خود در سلسله‌مراتب وجودی، از این حقیقت بهره می‌برند. نور محض، یعنی حقیقت مطلق، خداوند است که شیخ آن را نورالأنوار می‌نامد. درجه‌ی زیبایی و کمال هر موجود، بستگی دارد به درجه‌ی نزدیکی آن به نورالأنوار. البته دقیقاً معلوم نیست که مقصود و تصور سهروردی از «نور» چه بوده است. بعضی از صاحب‌نظران به این نظر متمایلند که مقصود

شیخ از نور، «وجود» بوده است. به هر حال، اگر هم او نور را در معنای خاصی به کار برده که عیناً همان نور موجود در عالم خارج نیست، بی‌شک بدون عنایت به آن هم نبوده است. از سخنان شیخ و زمینه‌های فکری وی برمی‌آید که او «نور» را با گوشه‌ی چشمی به نور در آیین زرتشتی، نور در قرآن، و حتی همین نور محسوس ملموس به کار گرفته است. چون در عالم محسوسات نیز چیزی روشن‌تر از نور نمی‌توان یافت. به هر تقدیر، خواننده‌ی فلسفه‌ی اشراق، آفرینشی زیبا و متالوژ در برابر چشم ذهن خویش متصور می‌بیند. انسان وقتی به کارگاه خیال شیخ، که صورت عالمی این‌چنین در آن تصویر شده می‌اندیشد، چه عالم درخشان، بدیع، پاک، و امیدبخشی در برابرش جلوه می‌کند! شیخ می‌گوید همه‌ی پرتوهایی که از منبع نور اصلی در عالم پراکنده شده، گرفتار ظلمت ماده در گردیده است. اما این ماده، در واقع اصالتی ندارد و می‌توان آن را زدود تا دوباره همه‌جا و همه‌چیز از نور پر شود. فرد به کمک زهد، ریاضت، و تطهیر نفس از پلیدی‌های ماده، می‌تواند حجاب ظلمت را از پیش بردارد و خود خویشتن را پاک کند تا شایسته‌ی پیوستن به نورالأنوار شود. این‌جاست که نقطه‌ی تلاقی فلسفه و عرفان سهروردی تشکیل می‌شود. در معنایی کلی، می‌توان گفت تلفیق این دو - یا نقطه‌ای بینابین این دو - است که حکمت اشراق نام گرفته است. شیخ منافاتی میان فلسفه و عرفان نمی‌بیند. نظام فلسفی او بر استدلال و کشف و شهود، هر دو مبتنی است. پیش‌رفته‌ترین طبقه از طبقات دانایان، آنانند که هم در فلسفه‌ی استدلالی هم در عرفان به کمال رسیده‌اند. او این طبقه را حکیمان متأله می‌نامد. تفاوت عمده میان محمد غزالی

و سهروردی، در این است که امام طوس فلسفه را کنار گذارد تا بیش‌تر و بیش‌تر به عرفان بپردازد. اما سهروردی آن را وسیله‌ای در کنار عرفان، برای رسیدن به حقیقت قرار داد. با این‌همه، به نظر می‌رسد سهروردی بیش‌تر فیلسوفی عارف‌مشرّب است تا عارفی فلسفه‌گرا. عنصر تعقل و استدلال در تفکر وی چنان قوی است که نمی‌توان او را به‌هیچ‌وجه در ردیف عرفا و صوفیانی که عقل را سد راه می‌دانند به شمار آورد. به خلاف «شیخ مذهب»، حافظ شیراز، که «عقلی را گنه» می‌داند، شیخ اشراق همه‌جا تابع منطق عقل است. سخنانی از قبیل «ما را به عقل مترسان و می‌بیار - کان شحنة در ولایت ما هیچ کاره نیست»، در نوشته‌های سهروردی نمی‌بینیم. گرچه در جای‌جای بعضی از آثار شیخ شهاب‌الدین، از عشق، سماع، و رقص سخن رفته است، مطمئناً فضای روحی او از نوع فضایی نیست که امثال عطار، مولوی، فخرالدین عراقی، و حافظ در آن سیر کرده‌اند. کسی که از تألیف قضایا، ترکیب قیاسات، و استنباط نتایج - که همه‌ی ابزارهای منطق است - حرف می‌زند، نمی‌تواند با صوفیانی که عقل مآل‌اندیش و احتیاط کار را واقعی نمی‌نهند هم‌نوا باشد. با این‌همه، پیشنهادی عقل، به نظر سهروردی، باید به تصویب علم شهودی برسد تا کاملاً در خور اعتماد گردد. شیخ اشراق در این معنا، کمابیش هم‌عقیده با شیخ محمود شبستری است که می‌گوید: به قیاسات عقل یونانی - نرسد کس به ذوق ایمانی. علم واقعی، نه از

طریق فکر صرف و صغری و کبری چیدن‌های منطقی، که به کمک مشاهده‌ی مستقیم حقایق حاصل می‌گردد و این وقتی تحقق می‌پذیرد که انوار اشراقی بر نفس بتابد و او را به عالم مجردات متصل کند. به‌علاوه، او از مسلک تصوف و طریقت عارفانه بیش‌تر به شیوه‌های ترک نفس، مبارزه با امیال مادی، و تلاش در تصفیه‌ی باطن و رهایی از ظلمت امور جسمانی برای رسیدن به نور حقیقت توجه دارد.

باری؛ حکیم متألهی چون سهروردی، که در همه‌چیز و همه‌جا نور می‌دید و عالم آرمانی بهشت آیین او پنداری قصر آینه‌ای است که از پست و بلند آن نور می‌ریزد و نور می‌خیزد، گرفتار بغض تاریک‌اندیشان تنگ‌نظر شد. متشرعان ظاهرپرستی که ژرفای اندیشه‌های شیخ را نمی‌فهمیدند و سخنانش را با ظاهر دین موافق نمی‌دیدند، کمر به نابودی‌اش بستند و وقتی شرع نبی را از خطر رهایی دادند، با وجدانی آرام «رفتند و به خانه آرمیدند!» زمانی که این مایه‌ی مباحثات همه‌ی ایرانیان اندیش‌مند اندیشه‌دوست در زیر شکنجه یا بر اثر گرسنگی در زندان ملک ظاهر، پسر صلاح‌الدین ایوبی جان می‌داد، بیش از ۳۸ سال نداشت. تنها خدا می‌داند که در این عمر کوتاه، که یک چند صباح از آن در بی‌خبری‌های کودکانه

گذشته بود، آن‌همه را که می‌دانست از کجا می‌دانست و آن‌همه را که نوشت، کی نوشت! تحریر چیزی حدود بیست کتاب و رساله‌ی بلند و کوتاه در موضوعات پیچیده‌ی فلسفی، جهان‌شناختی، و روان‌کاوانه، طی زمانی نسبتاً کوتاه، خود به معجزه می‌ماند. اگر بسیاری از آدمی‌زادگان به ندرت می‌اندیشند یا اصلاً نمی‌اندیشند، و بعضی فقط معدودی از ساعات شب و روز خویش را می‌اندیشند، به نظر می‌رسد سهروردی - اگر نه تمام، لاقلاً - اکثر ایام عمر خود را در تفکر گذرانده است. و الا کجا

می‌توانست این‌همه آثار پرمایه و عمیق را بیافریند که تا قرن‌ها پس از او، حتی تا زمان حاضر، موضوع بحث و فحص هزاران اندیش‌مند مسلمان و غیرمسلمان قرار گیرد. اگر از شرّ کژاندیشان کوتاه‌بین در امان مانده بود، چه مایه اندیشه‌های سخته و پخته‌تر دیگر که از ذهن فیاضش تراوش نکرده بود! تا بود چنین بود و چنین خواهد بود! تا نخبگان به جهان می‌آیند، رسم نخبه‌کشی هم به قوت خود باقی است!



علل پیدایش دوستی های نادرست

بر اساس قواعد کلی حاکم بر ارتباط میان فردی، نمی توان هر ارتباطی را دوستی «دختر و پسر» نامید، بلکه میتوان گفت: دوستی دختر و پسر یعنی: ارتباطی که بین دو جنس مخالف وجود دارد و در این ارتباط، صمیمیت، عشق و علاقه ای قلبی ویژه وجود دارد و از این رو، ارتباط دو کودک یا ارتباط تحصیلی یا ارتباط معلم با شاگرد و مانند آن، که برای اهداف خاصی است، نمی تواند از مقوله دوستی دختر و پسر باشد.

انگیزه های برقراری ارتباط با جنس مخالف

۱- وعده ازدواج: یکی از بهانه های ارتباط بین پسران و دختران وعده ازدواج از ناحیه پسر است و معمولا با این وعده ها پسران با دختران ارتباط پیدا می کنند. در حقیقت دختر و پسر با طرح مسئله ازدواج با یکدیگر رفاقت کرده، سعی میکنند نیازهای عاطفی همدیگر را برآورده کنند، اما حقیقت امر این است که این وعده ها در حد خیال باقی می مانند و جامه عمل نمی پوشند و حتی پسر به خواستگاری دختر نیز برود، خانواده دختر چنین ازدواجی را نمی پسند. بنابراین وجود فکر ازدواج در بین دختران و پسران تنها نوعی ساز کار دفاعی برای ایجاد رضایت خاطر و رهایی از اضطرابی است که نتیجه عمل بر خلاف قواعد و هنجارهای خانواده و جامعه صورت می گیرد.

۲- پناه جویی به یکدیگر: دختران و پسرانی که مورد بی محبتی در خانواده قرار می گیرند و از وضعیت روانی و اجتماعی خویش ناراضی هستند و در این

زمینه، خود را سرگردان و اشفته می یابند، از طریق برقراری روابط پنهان با جنس مخالف، درصدد کسب رضایت و یا به عبارت دیگر، به دنبال یافتن شرایطی هستند که برای آن ها اطمینان خاطر و رضایتمندی بیشتری فراهم کند و پناهگاهی برای جبران کمبود محبت خود فراهم سازند. اما اطمینان خاطری که دختران و پسران از طریق برقراری دوستی بین خود جستجو میکنند هیچ گاه حاصل نمیشود

زیرا این روابط پنهانی و به دور از چشم خانواده صورت می گیرد. به همین دلیل، دختر و پسر باید وقت و توان زیادی صرف کنند تا بتوانند زمینه این رابطه را فراهم کنند و تحمل ترس و اضطراب مستمری که دو طرف باید تحمل کنند تا این روابط از چشم اشنایان پنهان بماند، رضایتمندی و آرامشی را که به دنبال آن هستند خنثی خواهد کرد

۳- توهم قدرت و جاذبه: یکی دیگر از انگیزه های دوستی با جنس مخالف این است که پسران داشتن دوست دختر را یک قدرت اجتماعی برای خود تصور می کنند و دختران نیز داشتن یک دوست پسر را یک جاذبه فردی و اجتماعی برای خود به حساب می آورند. اما طول نمی کشد که پی خواهند برد این قدرت نمایی و جاذبه ارائه شده به قیمت از دست دادن بسیاری از جاذبه ها و قدرت های اجتماعی و شخصیتی دیگر تمام شده، در نتیجه، دوستی ها به پایان می

رسند و حسرت از دست دادن شرافت و ارزشمندی خویش، دنیای از تعارض را در دورن دختر و پسر باقی می گذارد.

انگیزه جنسی: از انگیزه های دیگر ارتباط دختر و پسر بهره بری جنسی است. این پدیده در میان اقشاری از جامعه که از لحاظ رشد فکری و فرهنگی در انحطاط شدیدی به سر می برند بیشتر دیده می شود. این افراد برای ارضای غرایز جنسی خود، همه ای ارزش های خانوادگی و فردی خود را قربانی می کنند و دست به رفتاری می زنند که برای اغلب افراد جامعه، بسیار پست تلقی می شود. چنانچه این ارتباط های ناپسند منجر به رابطه ی جنسی بین دختر و پسر شوند مشکلات زیادی را برای دختر، که قربانی اصلی این رابطه است به دنبال می آورد. اشتغال ذهنی درباره ای این موضوع که مبادا این ارتباط برای او در آینده مشکل ساز باشد، تعادل روانی او را به نحو چشم گیری برهم می زند و فشار روانی زیادی بر او تحمیل می کند. چنین دخترانی در ازدواج با مشکل روبرو می شوند و حاضر به ازدواج نیستند و زمانی با فشار خانواده رو به رو می شوند و تن به ازدواج می دهند، همیشه نگران افشای رابطه گذشته خود هستند و از اینکه همسرشان از رابطه مخفی آن ها در گذشته آگاه شود رنج می برند.

(ف. رحیمی هنرور)

روانشناسی

امنیت عاطفی کودک خیلی مهم است،
کودکان به امنیت عاطفی نیازمندند.

احساس اینکه والدین و یا مربی آنها را دوست ندارند،
یا آنها را رها می کنند، جا می گذارند و یا ممکن است
بزرگترهای آنها بروند و دیگر برنگردند، بسیار برای کودکان
درخناک است پس: هیچ وقت لابلای صحبت هایتان برای
تنبيه، ادب کردن و یا سر به راه کردن کودک از این جملات
استفاده نکنید:

«میرم مامان یکی دیگه میشم»
«خیلی خب اینقدر اذیتم میکنی میرم دیگه بر نمی گردم»
«الان میرم میذارمت تو خیابون لولو بیاد ببرت»
هیچ وقت از این نوع حرف ها چه به صورت تهدید و چه
به صورت شوخی استفاده نکنند.
این حرف ها امنیت روانی کودک را به هم می زند

در سفر همسفران را بهتر بشناسید :
معاشرتی ها بسیار خوشگذران هستند
افراد سرزنده و فعال، طبیعت گردی دوست دارند
جسورها اهل ماجراجویی هستند
آسوده خاطرها به جاهای آشنا سفر می کنند
سلطه جوها تابع جمع هستند
مضطربها زیاد دور نمی شوند
افسردهها به زور سفر می کنند
غیرمنطقیها غیرقابل پیش بینی هستند
خجالتیها از آدمیزاد به دور هستند
دمدمی مزاجها همسفر خوبی نیستند
پرخاصگرها استاد آسیب رساندن هستند
سردمزاجها بسیار خونسرد و بی خیالند
خودمحورها سفرهای سخت را انتخاب می کنند
خلاقها از همه امکانات استفاده می کنند
حسابگرها به فکر جیبشان هستند
ایده آلگراها خاص و ویژه سفر می کنند
افراد ماجراجو به فکر تجربیات تازه ای هستند
ولخرجها بعد از سفر جیبهایشان خالی است

انسان ها بر دو نوع اخلاق رفتار می کنند :

از نظر روانشناسی اشخاصی که به اخلاق اربابی
پایبندند انسانهایی هستند که به بالاترین درجه از
بلوغ روانی رسیده اند و قوانین اخلاقی را نه به خاطر
ترس از خدا یا قوانین اجتماعی بلکه بر مبنای وجدان
خودشان انجام می دهند البته وجدان این افراد صادق و
سالم است و اهل ماست مالی کردن هیچ اتفاقی نیست و
با کسی حتی با خودشان هم تعارفی ندارند ، به همین دلیل
هم رفتار آنها برای اکثر آدمها غیرقابل درک است و
تاوان این بلوغ را بیشتر با تنهایی و طرد شدن پس میدهند!!

تفاوت‌های روانشناختی زنان و مردان

جهت یابی مرد قوی تر از زن است.

مردها در رشته های فنی موفق ترند و زن ها در رشته هایی که با محفوظات بیش تر سرو کار دارند.

مرد از لحاظ شخصیتی نسبت به زن غمگینی بیش تری دارد و زن شادی افزوتر. به همین دلیل مرد ها بیش تر اخم می کنندو زن ها بهتر می خندند.

مردها بیش تر تمایل دارند مانع دعوا شوند اما زن ها در مواردی دعوا را استمرار می بخشند

مرد در مقابل استرس کم طاقت است اما زن، مقاومت بیش تری نشان می دهد.

افراد را، باید عصبانی کرد تا خوب شناخت

آنچه افراد در عصبانیت ، از خود بروز می دهند ؛

میزان منطق شان ،

میزان ادب شان ،

میزان بزرگی روحشان ،

میزان شعورشان ،

میزان معرفت شان ،

میزان اصالت شان ،

و حتی میزان مهر و محبت

راستین شان ،

نسبت به ما را ، نشان می دهد

آدمیان را تنها در عصبانیت

می توان شناخت

انسان ها بر دو نوع اخلاق رفتار می کنند :

اخلاق بردگی یعنی همین چیزی که نود درصد

از مردم به آن معتقد هستند ، همان اخلاقی که به

آنها می گوید در مهمانی ها و جمع فامیل لبخند بزن اگر

عصبانی شدی خوددار باش و فریاد نزن وقتی دوست از دواج

کرد به او تبریک بگو وقتی از کسی خوست نمی آید مستقیم

به او نگو یا اگر لذتی را دوست داری که برخلاف قوانین

جامعه است پس آنرا در وجودت به خاک بسپار تا همرنگ

جماعت باشی و تحسین اطرافیان را به دست آوری..!

سایه



دانشگاه در لenz دوربین



امتحانات دی ماه را گذارنده بود و بهمن شاگرد اول شده بود امیر میدانست که مشغول دادگاه و اثبات مالکیت پدرش برای خانه نمیشد لاقلاً شاگرد سوم میشد اما با معدل ۱۷ این ترم را گذارنده بود. دوستی امیر و بهمن فراتر میرفت و بهم وابسته میشدند اما امیر کم کم داشت تو کلاس میدرخشید خصوصاً در ریاضی به حدی که گاهی معلمشان که یک روز امیر در کلاس نبوده بیان میکند وقتی امیر در کلاس حضور دارد میترسد چون احساس میکند از او هم جلوتر هست. امیر که در مایحتاج و کرایه های خود به شهر در تنگنا قرار دارد تمام تلاشش را میکند کمترین هزینه را داشته باشد اما رقابت مابین امیر و بهمن شکل میگرفت در عین دوستی آن ها به هم وفا دار بودند ولی هر دو به گونه ای متفاوت رهسپار زندگی بودند بهمن به امیر گفته بود که امسال تابستان چوپانی نکند و به او گفته بود که در شهر کاری کند چونکه بیشتر از چوپانی در آمد شد و امیر به آن فکر میکرد. امتحانات خرداد پشت سر گذاشت اما واقعا فوق العاده این بود که امیر و بهمن معدلشان مثل هم بود خودش نیز تعجب میکردند از این اتفاق از همدیگره خدا حافظی کردند.

امیر راهی خانه شده بودم تا یک هفته را در آنجا بگذارند و دوباره به شهر برگرد تا این سه ماه

را سرکار برد اما امیر میدانست دلش برای صحرا تنگ خواهد شد چون از آنجا برخاسته بود هنوز هم خانوادش از نظر مالی ضعیف بودند و قلبش را آزار میداد در روستا اکثراً خانه ها نوساخت بود اما خانه آن ها هنوز کاه گلی بود.

پدر: امیر میترسم سرت تو شهر کلاه بزارند اخه بچه ای پول کمتری بهت بد ند

امیر: بابا! اگه اینطور بشه کار ول میکنم

ميام دوباره صحرا ميرم

مادر: خدا پشت پناهت باشه امير

محمد: امير مواظب خودت باش

و برای اولین بار امیر وارد دنیای کار میشود و خود را برای نبردهای سختی آماده میکند

به سمت آدرسی که بهمن به او داده بود میرود که بهمن گفته بود

که آن ها به کارگر نیاز دارند

امیر پیاده خیابان ها را طی میکرد

و غرق افکارش بود و به زندگی

فکر میکرد که چگونه خوشبختی را

دریابد.....

امیر بیست روزی بود که در محل

کارش زندگی میکرد شب ها را در

همان ساختمان بود به آجرهای

که پرتاب میکرد با حسرت خاصی

نگاه میکرد در دلش آرزو میکرد

خانه آجری داشته باشند شب ها

عاشق این بود ستاره ها را ببیند

طبق عادتش بر روی پشت بام می

خوابید

چون سن کمی داشت از او بیشتر کار می کشیدند البته هنوز حقوقش را هم نداده بودند سرکارگر امیر ذاتاً مرد بدی نبود اما بر او سخت می گرفت.

امیر پول برگشتی نداشت و منتظر بود تا حقوقش را بگیرد تا سری به خانه بزند دلتنگ بود اولین بار بود که تنها در یک جا زندگی می کند به خانه شان فکر میکرد که پدر ساده اش الان چیکار میکند و برادر کوچکش.

در این مدتی که در شهر بود به خاطر مدرسه و کار غرق در جاذبه های آن بود و با خودش فکر میکرد در آینده دوست دارد در شهر زندگی کند او با خودش فکر میکرد شهر های زیادی هست که او هنوز ندیده است به روستاشون فکر میکرد که سرسبز بود اما آن ها اصلاً زمین کشاورزی در آنجا نداشتند.

یک ماه گذشت و موقع گرفتن حقوق بود امیر شیرینی خاصی را در دل حس میکرد اما حقوق امیر یک مقدار کمتر بود از آنچه صحبت شده بود امیر نمی دانست باید چه کند اما او نمی خواست از حق خود کوتاه بیاید رو به سرکارگر گفت: حقوق من آقا کم است....



پایتون چیست و چرا پایتون؟

داده و در ادامه حلقه for را شرح خواهیم داد

```
>>> year = 1
>>> age = 27
>>> while year <= 5:
    age += 1
    year += 1
>>> print("After five years your
age will be:", age)
After five years your age will be:
32
```

انواع داده ای پیشرفته (کالکشن)

چند نوع کالکشن (مجموعه ای از داده ها در کنار هم) وجود دارد که ۳ نوع از آن یعنی list, tuple, dict را معرفی می کنیم.

نوع داده ای list

لیست نوع داده ای است که می توان شامل مقادیری از نوع های دیگر باشد یعنی شما داخل یک لیست می توانید عدد، رشته، و حتی یک لیست دیگر و در کل هر نوع شی ای را ذخیره کنید.

```
# list of my devices and a number
my_devices = ["Linux Box", "Dell 5110", "Sony Xperia Z5", 1]
# access to particular item of the list
>>> my_devices[2]
<Sony Xperia Z5>
>>> # add new item to the list
>>> my_devices.append("iPhone 6 Plus")
>>> # Remove particular item
>>> my_devices.remove("Linux Box")
>>> # Remove last item of the list
>>> my_devices.pop()
"iPhone 6 Plus"
>>> # add to specific places of the list
>>> my_devices.insert(0, "Linux Box---I Love it.")
```

در این آموزش سعی کردیم به صورت بسیار ساده ولی پر محتوا شما را با زبان برنامه نویسی پایتون آشنا کنیم در مقالات بعدی آموزش های حرفه ای تری نگارش خواهیم کرد.

با ما همراه باشید...

پایتون یک زبان برنامه نویسی است. زبان های برنامه نویسی به ما اجازه می دهند که دستوراتی را بنویسیم که کامپیوتر آن دستورات را متوجه می شود و اجرا می کند. زبانی که کامپیوتر متوجه می شود زبان ماشین یا صفر و یک است. از آنجایی که نوشتن دستورات به زبان ماشین بسیار سخت و طاقت فرسا است زبان های برنامه نویسی سطح بالا به وجود آمدند که به زبان انسان نزدیکتر هستند. تبدیل کدها (دستورات) زبان برنامه نویسی سطح بالا به زبان ماشین کمی زمان می برد اما ارزشش را دارد چون نوشتن دستورات به این زبانها بسیار ساده تر از زبان ماشین است.

پایتون را دانلود کنید و مراحل را برای نصب طی کنید

اولین برنامه به زبان پایتون

دستور print اولین دستوری است که را می خواهیم توضیح دهیم. این دستور یک مقدار دریافت کرده و آن را نمایش (چاپ) می کند.

```
>>> print("Hello World")
Hello World
```

دریافت ورودی از کاربر

برای دریافت ورودی از کاربر از تابع input استفاده می شود.

```
>>> name = input("What's your name: ")
What's your name: Ramzey
```

متغیرها در پایتون

متغیرها مکانهایی از حافظه هستند که مقادیری را نگه می دارند این مقادیر می توانند اعداد صحیح، اعداد اعشاری، رشته ها و ... باشند

```
>>> age = 27
>>> name = "Ramzey"
>>> print("My name is, name, "and I'm", age)
My name is Ramzey and I'm 27
```

شرط در زبان پایتون

در زبان پایتون از دستور if برای اعمال شرط استفاده می کنیم

```
>>> age = 27
>>> if age < 40:
    print("You are young, yet!")
else:
    print("You are old, sorry!")
You are young, yet!
```

حلقه ها در زبان پایتون

در زبان پایتون دو دستور برای استفاده از حلقه ها وجود دارد: حلقه while و حلقه for. ابتدا حلقه while رو توضیح

وظیفه تبدیل کدهای (دستورات) زبان سطح بالا به زبان ماشین توسط برنامه انجام می شود که به آنها مترجم گفته می شود.

اما در بین این همه زبان سطح بالا مثل جاوا، سی، سی ++، روبی، جاوا اسکریپت و ... چرا پایتون؟

پایتون بهترین زبان برای کسانی می باشد که می خواهند وارد دنیای برنامه نویسی شوند. به خاطر نحو (syntax) ساده ای که این زبانآم برنامه نویسی دارد. در پایتون خبری از علایم پیچیده و ترسناک مثل \$ و ; نیست که این باعث می شود مبتدی ها به برنامه نویسی ترغیب بشوند. نحو ساده پایتون باعث شده که برنامه نویسان حرفه ای بر روی الگوریتم و ساختار برنامه متمرکز بشوند و به نحو زبان برنامه نویسی درگیر نشوند.

علاوه بر نحوه ساده پایتون یک زبان برنامه نویسی مدرن می باشد که شامل تمام ویژگی های یک زبان قدرتمند و همه منظوره می باشد. رایگان بودن و همچنین منبع باز بودن پایتون نیز جزو مزایای اون محسوب می شود.

نصب و راه اندازی پایتون

برای نصب و راه اندازی پایتون کافی است به وب سایت رسمی پایتون مراجعه کنید. سپس بر روی تب Downloads کلیک کنید. وب سایت پایتون به صورت اتوماتیک سیستم عامل کامپیوتر شما را تشخیص می دهد و به روزترین نسخه از پایتون ۲ و ۳ را به شما پیشنهاد می کند. بسته نصبی

چشم‌ها صحبت میکنند!!!!

زل زدن در چشم‌ها...

نگاه کردن مستقیم در چشمان کسی، حالتی را به دنبال دارد که آن را فعال شدن می‌گویند. این شخص سطح برانگیختگی عاطفی را افزایش خواهد داد. این شرایط مؤثر تر خواهد بود اگر سؤالی هم پرسد یا خواهشی هم داشته باشد. به همین علت است که زمانی که می‌خواهید مبادله تان شخص دیگری به بهترین نحو صورت بگیرد، نگاه کردن در چشمان او مناسب ترین شیوه است.

از سوی دیگر، افرادی که یکدیگر را دوست دارند و با هم راحت هستند، خیلی زیاد در چشمان هم نگاه می‌کنند. چرا؟ زیرا نگاه کردن در چشمان یکدیگر معنا دار است: «من آماده ام هر چه که تو می‌خواهی بپذیرم.» و زمانی که افرادی یکدیگر را دوست دارند، آماده اند با کمال میل خواسته یکدیگر را برآورده کنند. زمانی که دو نفر کمتر به هم نزدیک اند، این نگاه میمی تر می‌تواند جالب باشد. اگر شما از کسی می‌خواهید کاری را انجام دهد، این کار به طور مستقیم و سریع، زمانی که در حال نگاه کردن در چشمان او هستید، انجام دهید.

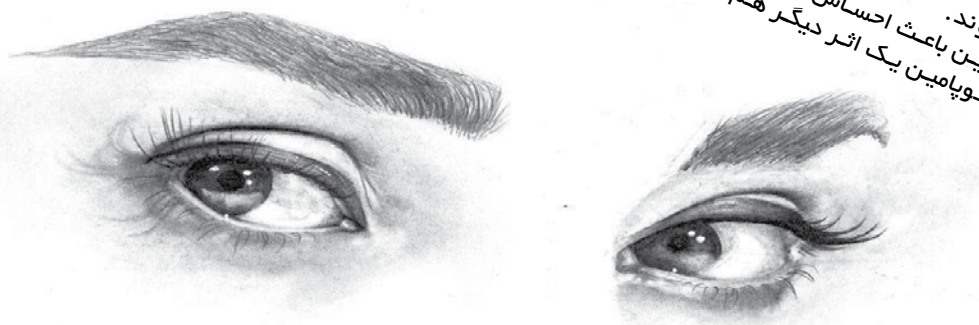


ارتباط چشمی بیش از حد، به طور غریزی با گستاخی، خصومت یا تکبر در ارتباط است؛ اما در محیط کاری، ارتباط چشمی بیش از حد ممکن است با نیت عمدی برای تسلط یافتن، ترساندن، تحقیر کردن یا القای حس «معیوب بودن» به فرد مقابل، همراه باشد. بنابراین، اگر هنگام برقراری ارتباط چشمی با دیگران، یکی از این مقاصد را در سر دارید، بهتر است از این کار اجتناب کنید.

زنان بیشتر از مردان با فردی که در حال صحبت با او هستند، ارتباط چشمی برقرار می‌کنند. این یکی از دلایلی است که زنان مکالمه‌ی رو در رو را ترجیح می‌دهند و مردان به صحبت کردن در حالت ایستاده کنار هم قانع هستند.

نگاه عاشقانه

دانشمندان در یک تحقیق جالب مغز کسانی که گشتند که درگیر یک رابطه عاشقانه بودند، آنها متوجه شدند که وقتی این افراد به تصویر یارشان نگاه می‌کنند، مناطقی از مغز آنها که گیرنده‌های دوپامینی دارند، بیشتر فعال می‌شوند. اما دوپامین باعث احساس هیجان، انرژی و ایجاد انگیزه می‌شود، دوپامین یک اثر دیگر هم دارد: گشاد شدن مردمک‌ها



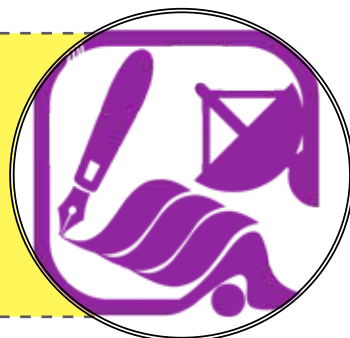
نگاه، نشانه‌ای از اعتماد به نفس

افرادی که اغلب در چشمان دیگران نگاه می‌کنند، اطرافیان آنها را افرادی قوی و مفید محسوب می‌کنند. مدت زیادی است که این موضوع مورد مطالعه قرار گرفته است. اما بالعکس، کسانی که هرگز در چشمان دیگران نگاه نمی‌کنند، افرادی بی اعتماد به نفس، عصبی و ناراحت ارزیابی می‌شوند. زمانی که هیچ خواسته‌ای برای به زبان آوردن ندارید، نگاه کردن در چشمان دیگران باعث نزدیکی و قرابت می‌شود که تمایل شما به آن فرد را نشان می‌دهد. در این مورد، برای آزار ندادن فرد مقابل، با مکث به چشمان فرد مقابل نگاه کنید، فقط برای اینکه توجه تان را نشان دهید و او را اذیت نکنید.

یک توصیه برای افراد کم رو: نگاه کردن در چشمان دیگران نیازمند اطمینان و اعتماد است. اگر شما احساس می‌کنید که نمی‌توانید این کار را انجام دهید، به بخش‌های دیگر چهره فرد مقابل غیر از چشمان او نگاه کنید، به پیشانی، به سر، به بینی و ... تفاوتی ندارد، نگاه شما همان تاثیر را خواهد داشت.

رویدادها آخر

اعیاد فرخنده شعبانیه بهانه ای نیکو شد تا از
لوگوی بسم رونمایی کنیم...
کانون فضای مجازی و نشریه ی فرهنگی بسم

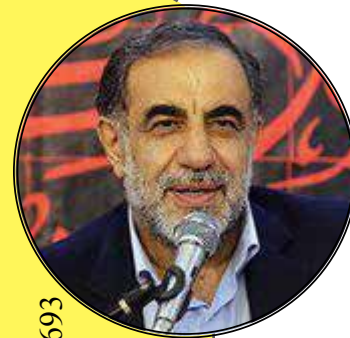


«تاکید رهبر انقلاب به نشریه»
در دیدار رهبر با دانشجویان ضمن سفارش به حضور
دانشجویان در عرصه های فرهنگی، تاکید کردند: نشریه و
میزگرد در مواجهه مستقیم با مخاطب لازم است.



دکتر نوریان در جمع چهره های برتر باشگاه پژوهشگران
جوان خطاب به مسئولان:

افراد جهان مرکز یا همان نخبه باید شناسایی شوند/ جذب
و گزینش هدفمندنخبگان در دستور کار باشگاه پژوهشگران
جوان قرار گیرد



توزیع کارت های اعتباری دانشجویی در دانشگاه آزاد اسلامی/
ارائه تسهیلات ازدواج دانشجویی/ ایجاد فضایی آرام و مطمئن
برای دانشجویان در جهت ارائه ایده ها و خلاقیت ها

<http://vv2.ir/14693>

من کامل خبر



رونمایی از کارت عضویت کانون و نشریه بسم





جشن ولادت علی بن موسی الرضا المرتضی علیه السلام



طراحی و چاپ کتابچه معرفی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر



تولید نرم افزار چندرسانه ای مرسلات در کانون فضای مجازی بسام (قرآن سه زبانه گویا) (صحیفه سجادیه و نهج البلاغه)



همایش ملی مدل سازی ریاضی در علوم مهندسی ۴ آبان ماه ۹۶ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر برگزار می گردد



مانور تحسین برانگیز کانون هلال احمر



تولید اپلیکیشن اندرویدی سرایش در کانون فضای مجازی بسام (کارگاه شعر و داستان نویسی در موبایل)



روز قلم بر تحریرگران و فعالان این رشته مبارک باد



استشمام عطر خوش بوی عید فطر از پنجره ملکوتی رمضان گوارای وجود پاکتان و صد شکر که این آمد و صد حیف که آن رفت



مانور تحسین برانگیز کانون هلال احمر



در این شماره از مجله سعادت ملاقات با یکی از پیشکسوتان عرصه ی فرهنگ و هنر، جناب آقای علی نقیلو (ریاست اداره فرهنگی) را داریم همراه ما در این گفتگو باشید...

نام: علی نقیلو
متاهل و پدر دو فرزند
سال تولد: ۱۳۵۲
سابقه کار: ۱۸ سال
مسئولیت: رئیس اداره فرهنگ
تحصیلات:
لیسانس ادبیات
لیسانس حقوق
فوق لیسانس مدیریت

تحصیلات دانشگاهی را در چه رشته ای و از چه دانشگاهی به پایان رساندید؟

علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی که به دلایلی موفق نشدم به آنجا رفته و ادامه تحصیل دهم کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد ابهر-کارشناسی حقوق دانشگاه پیام نور-کارشناسی ارشد مدیریت دولتی (گرایش تشکیلات و روش ها) دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

چگونه عاشق شدید و ازدواج کردید؟

سال ۷۹ این اتفاق افتاد و طبق رسومات سنتی بود و بحمدالله حاصل این ازدواج یک فرزند پسر و یک فرزند دختر می باشد

چه شد شاغل دانشگاه آزاد شدید؟

کار در دانشگاه را دوست دارم، خب خودم دانشجوی همین دانشگاه بودم و پس از فارغ التحصیلی و بنا بر اعلام نیاز دانشگاه و طی مراحل موفق به استخدام شدم

در فاصله زمانی دوران بین سوال اول و دوم چه فکری و آینده ای برای خود پیش بینی میکردید؟

مجری گری تلویزیون-معلمی-وکالت-کارهای سیاسی اجتماعی...همین طور دوست داشتم ملی پوش ورزشی باشم

آیا در زمینه های فرهنگی هنری اجتماعی فعالیت داشته اید؟

بله در سال ۶۶-۶۷ به عنوان بازیگر نمونه تئاتر در آموزشگاههای استان مطرح شدم و لوح تقدیر دریافت کردم-در دوران متوسطه نیز اقدام به نوشتن چند نمایشنامه و کارگردانی چند نمایش نمودم که در سطح آموزشگاهی اجرا شدند -پیوسته در کارهای فرهنگی فعالیت داشتم

کنکور را چگونه پشت سر گذاشتید؟

کلا کنکور و امتحان را دوست دارم-در سال اول کنکور قبول شدم

دوران راهنمایی را در کدام مدرسه و کدام شهر سپری کردید؟

مدرسه شهید یارقلی هیدج

تحصیلات متوسطه دوم را کدام شهر و کدام دبیرستان و در چه رشته ای سپری کردید؟
دبیرستان حکیم هیدجی-شهر هیدج-رشته فرهنگ و ادب

اگر بخواهید از افرادی که در سمت و سوگیری زندگی شما نقش مفید ایفا کرده اند قدر دانی کنید اولویت با چه کسانی است؟ قبل از همه باید از والدین خود سپاس گزاری کنم که هر چه داریم از آنهاست، سپس از اساتید و معلمین دوران تحصیل و دوستان خوب و با مرام و با محبت

و سخن پایان:

با یک ضرب المثل چینی کلام خود را پایان میدهم
(به جای اینکه به تاریکی لعنت بفرستید یک شمع روشن کنید))

منتظر ما باشید... شاید مفاد بعمدی گفتگوی مجله شما باشید
سامانه پیامکی: ۰۲۲۰۲۲۰۲۲۶۶

در طی این سال ها عجیب ترین رویداد یا جالب ترین رخداد در دانشگاه که شاهد آن بودید چه بوده است؟

جالب ترین رویداد دیدارم با مرحوم حضرت آیت اله هاشمی رفسنجانی بنیانگذار دانشگاه آزاد اسلامی از نزدیک بوده است.

دوست داشتید الان در کجا و یا در چه سمتی و حتی در چه شرایطی بودید؟

خدا را شکر الان راضی هستم شاید می شد به جهاتی بهتر از زمان اکنون بود ولی همه ما انسان ها در گذشته همیشه سعی بر این داشتیم که بهترین تصمیم و انتخاب را بگیریم پس نباید زیاد خود را مقصر بدانیم چون سعی خود را کرده ایم

تصمیم شما برای آینده چیست؟

به لحاظ ورزشی بزودی برای کسب کمر بند مشکی کاراته (سبک کیوکوشن) امتحان خواهم داد ، و الان خودم را برای امتحان وکالت دادگستری آماده میکنم، انشالله قصد ادامه تحصیل تا Ph.d را دارم و در حال بررسی برای تالیف کتاب هستم. عاشق تدریس در دانشگاه هستم و خدمت به جامعه ی فرهنگی

دانشگاه در یک نگاه از زبان شما:

الگویی از یک دانشگاه موفق، خلاق و رو به رشد حتی با وجود مشکلات موجود

توصیه و پیشنهاد شما نسبت به دانشجویان چیست؟

- ۱- به پدر و مادر خود حداکثر احترام را قائل باشند و به آنها محبت کنند
- ۲- قدر تک تک ثانیه ها را بدانند و درس بخوانند و روزی یک صفحه قرآن با معنی بخوانند
- ۳- مهارت کسب کنند
- ۴- حتما یک زبان خارجی به صورت کامل فرا گیرند که پشیمان نخواهند شد
- ۵- در انتخاب دوست دقت کنند
- ۶- از دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج پرهیز کنند چون وقت و انرژی آنها از بین میرود



معماری



آش رشته

مواد لازم

رشته (آش) ۴۰۰ گرم
سبزی آش ۱. اکیلو گرم
نفود و لوبیا و عدس مهموعا
به مقدار مساوی. ۴۵۰ گرم
نعنا فشک. ۴قاشق غذا فوری
پیاز متوسط ۴عدد
کشک ساییده غلیظ. ۲فنجان
آرد. ۲قاشق
(روغن. به مقدار لازم)
نمک و فلفل به مقدار لازم

طرز تهیه:

۱. بهتر لوبیا ها و نخود رو چند ساعت قبل یا از شب قبل خیس کنیم و در یخچال بگذاریم. چون همین جوری هم نیم ساعته له میشه!!

۲. کسانی که مشکل معده دارند باید در طول زمانی که حبوبات داره خیس میخوره، دوسه بار آبش رو عوض کنند. این کار باعث میشه که باد این مواد گرفته بشه و معده کمتر با مشکل مواجه بشه. همچنین حبوبات زودتر می پزند.

۳. حبوبات رو به جز عدس بار می ذاریم. خوب که پختند، عدس رو هم اضافه میکنیم.

۴. در عین حال که مواد در حال پخت هستند، سیر داغ و

اضافه می کنیم.

۶. ده دقیقه مونده به اینکه قابلمه رو از روی گاز بردارید، رشته رو هم اضافه کنید.

آش حاضره. حالا اونو توی کاسه بکشید و صبر کنید کمی از داغی بیفته. سپس کشک رو روش بریزید. اگه خیلی داغ باشه و کشک رو بریزید، کشک روش وای نمیشه! داخل آش فرو می ره.

۷. پیاز سرخ کرده و نعنا داغ در صورت دلخواه سیر داغ تزیین کنید.

نوش جان..

با ما در ارتباط باشید
سامانه پیامکی بسام:
۵۰۰۰۲۲۰۶۲۲۶

پیاز داغ رو آماده می کنیم. سیر و پیاز و جداگانه خرد می کنیم و در روغن سرخ می کنیم و به آنها زرد چوبه اضافه می کنیم که خوشرنگ بشه.

۵. مقداری از سیر داغ و پیاز داغ رو در حال پخت به مواد اضافه میکنیم، بقیه رو برای تزئین روش نگه می داریم. سپس سبزی آش رو که شسته و خرد کرده ایم رو

۳۱ فانچ انحصاری gag! bye party و عضویت در هیأت مدیره کلاس سبانی مدیر کارخانجات Iran vel and velco ۳۲ به تبلیغی که به شما مربوط نیست صلاح بیده می شود نروید پی کارتان ، بروید پایین مارکه نه ، ازدها ۳۳ چان کردن مثل اسب در ترمهای آخر ، خر حصانی برای تر ، کتبیهای شبانه نا امید از آینده ، احساس پیری و پوچی و ...	۳۴ این خانه هنوز شناسایی نشده ۳۵ یک جورهایی بودن که هم کسی نمیداند و هم نمی توان نوشت ۳۶ عضویت در گروههای منحرف و پاند های القاطی تقلید: GHOGHNDOS BORNA PALDON ۳۷ فعالیت های علمی کارهای فرهنگی بی سر صدا بچه خوبی بودن تروی لای خود بودن ۳۸ از بالا پخش نامه آمده که مار بگذرد کاری هم نمی شود کرد ۳۹ پیدا کردن وجهه نزد انسان عمومی و شنیدن واژه هایی مثل: ایول ، دمتان گرم ، مرسی و ...	۳۰ خسته ام از این کویر این کویر کور و پیر! ۳۱ اعتراض به وضعیت غضای سلف و بد اخلاقی راننده سرویس و انتقاد از مسئولان زحمتکش و انتقاد پذیر ۳۲ به علت مشکلات جنسی و ملاحظات اجتماعی این بخش حذف شده است ۳۳ جلوه های مدرنیته: شلواری تنگ کتیتر عینک آفتابی ... و جدید روی آوردن به موسیقی! ۳۴ خوردن غذاهای خوب دانشگاه (و ابتداء به انواع بیماریهای کشف شده و کشف نشده)	۳۵ فرس خواندن ۳۶ پاس کردن ۱۳ از واحدی ارائه شده در ترم تحصیلی و شایو شدن در نغمه این و آن (خاص و عام) ۳۷ پاس کردن ۱۳ از واحدی ارائه شده در ترم تحصیلی و شایو شدن در نغمه این و آن (خاص و عام) ۳۸ پاس کردن ۱۳ از واحدی ارائه شده در ترم تحصیلی و شایو شدن در نغمه این و آن (خاص و عام) ۳۹ پاس کردن ۱۳ از واحدی ارائه شده در ترم تحصیلی و شایو شدن در نغمه این و آن (خاص و عام)	۳۰ فرهنگی دانشگاه شورای ۳۱ عضویت در یک تشکل دانشجویی خاص که اگر نیاشد ، مشکلات نمی چرخد ۳۲ عضویت در یک تشکل دانشجویی خاص که اگر نیاشد ، مشکلات نمی چرخد ۳۳ عضویت در یک تشکل دانشجویی خاص که اگر نیاشد ، مشکلات نمی چرخد ۳۴ عضویت در یک تشکل دانشجویی خاص که اگر نیاشد ، مشکلات نمی چرخد	۳۵ سیاه است! این خانه ۳۶ پایبندی و التزام علی به شعار: خواهرم حمایت را برادرم نکاح را ۳۷ زندگی در خوابگاه و مصاحبت با ناظمه های مهربان ۳۸ زندگی در خوابگاه و مصاحبت با ناظمه های مهربان ۳۹ زندگی در خوابگاه و مصاحبت با ناظمه های مهربان	۳۰ قبولی در دانشگاه (بعد از کلی ریاضت و بدبختی و خیزیدن) ۳۱ قبولی در دانشگاه (بعد از کلی ریاضت و بدبختی و خیزیدن) ۳۲ قبولی در دانشگاه (بعد از کلی ریاضت و بدبختی و خیزیدن) ۳۳ قبولی در دانشگاه (بعد از کلی ریاضت و بدبختی و خیزیدن)
---	---	---	---	---	--	---



پیاپیله هه‌مه‌شه یکه‌دیگر
را به‌با به‌خنده ملاقاته
کمیته، چه‌راکه به‌خنده
آغازگر عشق‌ه‌اته

